

تحلیل جامعه شناختی زبان مخفی در بین دختران*

شیدا اعتضادی**
فاطمه سادات علمدار***

چکیده

در برخی شرایط، ارتباط کلامی در جامعه، تحت تأثیر ناهنجاری های اجتماعی، مقوله جدیدی به نام زبان مخفی (آرگو) را به وجود می آورد. بررسی این لغات، حوزه های معنایی تابو و مقدس کاربران را مشخص می سازد. استفاده جوانان از این واژگان و نفوذ آن به عنوان خرده فرهنگ جوانان، ارتباط کلامی خاصی را در بین آنها ایجاد می نماید که نیازمند بررسی های علمی است. بدین لحاظ با بهره گیری از مطالعه اسنادی، علل، عوامل و چگونگی نفوذ و گسترش زبان مخفی در بین جوانان و تأثیر جنسیت در این خصوص و نحوه ورود آن به خرده فرهنگ دختران جوان بررسی گردید. نتایج این مطالعه نشان می دهد که جوانان و از جمله دختران، جهت پنهان نگهداشتن افکار و عقاید خود و هم چینی ن به دلیل قبح استفاده صریح از برخی لغات در چارچوب هنجارها، آداب و رسوم و فضای جامعه، به سوی استفاده از زبان مخفی گرایش پیدا می کنند. گروه های دوستان و محافل دوستانه، پیامک، وبلاگ و ... محمل اشاعه این واژگان می باشد. با افزایش این لغات و کاربرد آنها، احتمال ایجاد آنارشسیسم زبانی به زبان فارسی دور از انتظار نخواهد بود. پیشگیری از این وضعیت از طریق طرح پسامدی از اصطلاحات و نقد عالمانه وضعیت کنونی، میسر خواهد شد.

کلید واژه

زبان مخفی، دختران، آرگو، تابوی زبانی، جنسیت، جامعه شناسی زبان، خرده فرهنگ جوانان

*-تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۳۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۷/۹/۱۰
**- دانشجوی دکتری زبان شناسی Sheda 1350@yahoo.com

*** - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی f.s.alamdar@gmail.com

(۱) مقدمه

زبانی که افراد بشر در سرتاسر جهان بکار می‌برند، اعم از اینکه آن زبان انگلیسی یا فارسی یا عربی یا هر زبان دیگری باشد، نظامی بسیار پیچیده و شگفت‌انگیز است. در واقع زبان یکی از پیچیده‌ترین نظام‌هایی است که انسان با آن سر و کار دارد. کافی است به این نکته توجه کنیم که تا آنجا که از نوشته‌های تاریخی برمی‌آید، لااقل ۲۵ قرن است که بشر به ساخت این نظام توجه کرده و برای ساختن قواعد آن تلاش نموده است، ولی به‌رغم این همه تلاش، امروزه هیچ زبانی نیست که به معنی فنی زبان‌شناسی، برای آن دستور کاملی تدوین شده باشد و این نیست مگر به خاطر پیچیده بودن نظام زبان. زبان هم مثل بسیاری از پدیده‌های دیگر، امری اجتماعی است. کودک با دانش زبانی ذاتی خود در هر اجتماعی که به دنیا بیاید و در آن بزرگ شود، زبان همان اجتماع را فرا می‌گیرد و به کار می‌برد (باطنی، ۱۳۶۷: ص ۵۰).

تأثیر جنبه اجتماعی زبان آنقدر روشن است که حتی برخی نظریه‌هایی که در مورد منشأ زبان انسان وجود دارد، تکامل زبان انسان را در بافتی اجتماعی ممکن می‌داند (یول، ۱۳۷۳: ص ۱۴).

یکی از اصیل‌ترین و قدیمی‌ترین نوع ارتباط انسانها در طول تاریخ و در پهنه جغرافیا، ارتباط کلامی است. در این نوع ارتباط، «نماد» در قالب کلمات و گفتار عمل می‌نماید. نماد محمل معنایی و اثر قابل تجربه‌ای می‌باشد که پیام‌ها و امور ذهنی را از فرستنده پیام به گیرنده آن منتقل می‌کند، خواه این ارتباط بدون واسطه یا وسیله باشد، مثل ارتباط مستقیم و شخصی یا چهره به چهره و خواه توسط وسیله‌ای مانند تلفن، تلویزیون، اینترنت و... برقرار گردد (رک. اکرامی، ۱۳۸۴).

نکته قابل توجه در ارتباط کلامی این است که ارتباط کلامی و گفتاری همیشه با نوعی از نمادهای ارتباط غیرکلامی مانند لبخندزدن، نگاه کردن، اخم کردن، سرتکان دادن، تأیید و تکذیب با سر و دست و... همراه است که باعث تعمیق تأثیر این نوع ارتباط می‌گردد.

هر جامعه‌ای دارای زبان معیاری است که گونه رسمی زبان آن جامعه بوده و از گونه‌های دیگر معتبرتر و با منزلت‌تر است (مشیری، ۱۳۷۳: ص ۱۲۷). معمولاً، زبان معیار در جامعه، توسط حوزه «فرهنگ رسمی» مورد حمایت و تبلیغ قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که واژگان آن توسط رسانه‌های جمعی مکرراً به کار برده شده و در محافل رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ تا جایی که حتی تغییر در یک واژه نیز توسط بخشنامه امکان‌پذیر است. به عنوان مثال، فرهنگستان ادب فارسی در سال‌های اخیر، مسئولیت ابداع مترادف فارسی برای برخی از لغات پر کاربرد غیر فارسی را برعهده داشته است که از طریق رسانه‌های جمعی و بعضاً اجبار، به مرور، در جامعه مصطلح شدند.

افراد در گروه‌های اجتماعی تابع هنجارهای گروهی هستند و تا آنجا که هنجارهای مذکور آنها را مجاز کند، زبان جامعه‌ایی را که گروه آنها به آن تعلق دارد تغییر می‌دهند (سمائی، ۱۳۸۲: ص ۵). کاربران این زبان‌ها برحسب مقولاتی نظیر طبقه اجتماعی، گروه نژادی، بافت اجتماعی، کنش متقابل اجتماعی، جنسیت و ... از واژگانی متفاوت‌تر از زبان معیار استفاده می‌کنند. به بیان دیگر، این تغییرات محدود و دارای حدود و ثغوری است. از این‌رو، گونه‌های اجتماعی زبان، تغییری در دانش کلی زبان جامعه به وجود نمی‌آورند و دانش زبانی گویشوران زبان هر جامعه، با وجود گونه‌های متفاوت، یکسان باقی می‌ماند (همان).

نکته حائز اهمیت آنکه این واژگان متفاوت، در جریان داد و ستد عناصر فرهنگی در جامعه، به مرور و در طی روندی بسیار آرام و تدریجی، وارد حوزه فرهنگ عمومی شده و از چارچوب موقعیتی خود (طبقه اجتماعی، گروه نژادی، جنسیت و ...) خارج می‌شوند. کاربران جدید این واژگان در اغلب مواقع زمینه پیدایش اولیه آنها را نمی‌دانند، ولی استفاده مکرر ایشان از این واژگان سبب می‌شود که رفته رفته زبانی ابداع شود که فهم آن برای عموم مردم دشوار بوده و به عبارتی «زبان مخفی» می‌باشد.

تحول در زبان و بوجود آمدن زبان مخفی و موضوع دختران جوان از موضوعات جامعه معاصر ما هستند. زبان فارسی از ستون‌های هویت فرهنگی ایرانیان است. این زبان تحت تأثیر عواملی مانند صنعتی شدن، توسعه شهرنشینی، گسترش رسانه‌ها، دسترسی اطلاعاتی، تحولات اقتصادی و اجتماعی، جهانی شدن و ارتباطات و مبادلات اطلاعاتی ایران و جهان، گسترش آموزش و آموزش عالی و توسعه زبان‌های دیگر و

آمیخته شدن آن با زبان فارسی، دستخوش تغییرات گوناگونی شده است. با توجه به این نکته، زبان، بستر و در عین حال حامل ارزش‌ها و باورهای معنایی بنیادین هر ملتی است. بعد دیگر اهمیت موضوع به مقوله دختران جوان مرتبط می‌شود. به بیان دیگر، بررسی زبان مخفی در بین دختران جوان، پی‌بردن به زیست جهان فرهنگی دختران ایرانی است و از این راه می‌توان لایه‌های پنهان و عمیق فرهنگ و شیوه فهم و ادراک آنها از محیط خودشان و دیگران را دریافت. اگر این واقعیت آشکار را در نظر داشته باشیم که ایران از نظر جمعیتی دارای ساختار جمعیتی جوان است و مسئله دختران از مسائل عمده فرهنگی جامعه معاصر است، در این صورت می‌توان به اهمیت مطالعاتی از نوع جامعه‌شناسی زبان مخفی در بین قشر مؤنث و جوان جامعه پی برد.

۲) تعاریف

۲-۱) تابوی زبانی

لفظ تابو از یک زبان «پولینزیایی»^۱ به نام «تونگان»^۲ گرفته شده است. تابو در مفهوم عام به کلیه رفتارهای اجتماعی ممنوع اطلاق می‌شود و این ممنوعیت براساس نگرش فرهنگی - اجتماعی جامعه نسبت به رفتارهای خاص می‌باشد. هر جامعه‌ای معیارهایی برای ارزش نهادن یا ضد ارزش تلقی کردن برخی از رفتارها دارد که ممکن است با معیارهای جوامع دیگر متفاوت باشد. جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و اصول اخلاقی حاکم بر آن، ممنوعیت‌هایی را در رفتارها و گفتارهای اجتماعی قائل می‌شود و نقض این ممنوعیت‌ها در انظار اکثریت مردم بار منفی ویژه‌ای دربردارد. این ممنوعیت‌ها، به نوعی تابوی اجتماعی قلمداد می‌شوند. تابوی زبانی در واقع یکی از انواع تابوی اجتماعی است که به ممنوعیت‌ها در رفتار زبانی اطلاق می‌گردد. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که تا به حال دو نوع تابوی زبانی در میان زبان‌ها مشاهده شده است: تابوی افراطی و تابوی غیرافراطی. منظور از تابوی افراطی - که بسامد وقوع آن در زبان‌ها کم و اندک می‌باشد - حالتی است که در آن کل یک زبان تابو می‌شود و

1. Polynesian

2. Tongan

در واقع کاربرد آن زبان به‌خصوص، به موقعیت‌های خاص محدود می‌گردد. به عنوان مثال، «زبان دایربال»^۱ دارای دو واژگان جداگانه است که زبان عادی و زبان مادرشوهر، نامیده می‌شوند. زبان عادی در کلیه ارتباطات روزانه جز در مواردی که شخص با مادرشوهر یا مادرزن خود یا درباره او سخن می‌گوید، به کار گرفته می‌شود. زبان عادی و زبان مادرشوهر از لحاظ ساخت دستوری یکسان هستند، اما از نظر واژگانی با یکدیگر متفاوتند؛ به این معنا که در زبان مادرشوهر، بیشتر از لغات تابو استفاده می‌شود (آرلاتو، ۱۳۷۳: ص ۲۷۲). به این زبان‌ها که در آنها از تأثیرات واژه‌های تابو استفاده می‌شود، «زبان اجتنابی»^۲ نیز گفته می‌شود (Crystal, 1987: p 42).

منظور از تابوی غیرافراطی یا تابوی پربسامد، حالتی است که در آن بخشی از یک زبان تابو می‌شود؛ مانند آروغ زدن در زبان فارسی. زمانی که میزان تابو شدگی واژه اندک بوده و در برخی موقعیت‌های غیررسمی به کار برده شود به آن «تابوی ناقص»^۳ می‌گویند.

در برخی مواقع نیز در جامعه، به برخی از واژه‌هایی که اصولاً از نظر همگان تابو نیستند، بار تابویی داده می‌شود که این فرآیند را اصطلاحاً تابوسازی می‌نامند. در این حالت، واژه‌های تابو شده به صورت رمز در میان قشری از افراد جامعه (عموماً جوانان) مصطلح می‌شود و دیگر افراد به دشواری درجه تابوشدگی آنها را درمی‌یابند. به این روند که باعث می‌شود یک واژه به تدریج بار معنایی منفی القاء کند، تابو شدگی ناقص خاص گفته می‌شود؛ چرا که مختص جوانان کم سن است که هنوز معانی لغات را به خوبی درک نکرده و به خاطر هنجار ستیزی از تابوی ناقص خاص استفاده می‌نمایند. این افراد به معانی تابوی جدیدی که درست شده است آگاهی دارند و به تدریج آن را در جامعه اشاعه می‌دهند؛ مانند لفظ «دو دره کردن» که به معنای دزدی و کش رفتن است.

البته در بسیاری از موارد به جای واژه تابو از الفاظی چون «چیزه» یا «فلان» بهره گرفته می‌شود و بعضی نیز می‌کوشند با جملاتی نظیر «نمی‌دانم چطور بگم» یا «آخه

1. Dyirbal
2. Avoidance Language
3. Partial Taboo

نمیشه گفت» و نظایر آن، معنی مورد نظر را القا کنند. این مسأله در بین جوانان تحصیلکرده دختر، بسیار چشمگیرتر از پسران تحصیلکرده، مشاهده می‌شود (Ibid). در مواردی نیز واژه مورد نظر چنان بار معنایی منفی می‌یابد که استفاده از آن، صرف نظر از هر بافت و موقعیتی، غیر مؤدبانه و گاه توهین‌آمیز می‌نماید که به این حالت «تابوشدگی کامل»^۱ گفته می‌شود؛ الفاظ رکیکی که در مقام ناسزا به کار برده می‌شوند از این مقوله می‌باشند (Lehmann, 1992: P 260).

۲-۲) زبان مخفی^۲

زبان مخفی یکی از گونه‌های اجتماعی زبان است که دارای سابقه‌ای با ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. نخستین مدارکی که از این گونه زبان به دست آمده، مربوط به سارقان و راهزن‌ها بوده و از زندان رواج یافته است. این جماعت که خلاف قانون رفتار می‌کرده‌اند، برای ارتباط با یکدیگر، به زبانی نیازد داشتند که اسرارشان را پوشیده نگه دارد. الفاظی نظیر *beaumont, barbane, borsueil, beavoir* که از متون فرانسوی قرن چهاردهم میلادی به جا مانده است، در زبان فرانسوی رایج آن زمان وجود نداشته، ولی توسط این افراد با معنای مورد نظرشان استفاده می‌گردید. این گونه زبان احتمالاً همیشه در کنار زبان معیار بسیاری از جوامع، جهت مخفی کردن اسرار و پوشاندن افکار وجود داشته است (رک. سمائی، ۱۳۸۲). برخی از تعاریفی که از زبان مخفی وجود دارد عبارتند از:

الف) زبانی که فقط طبقه خاصی، به خصوص دزدان به آن تکلم می‌کنند و آن را می‌فهمند (cf. Longman, 1981).

ب) مجموعه لغات و عباراتی که گروهی خاص آن را به کار می‌برند و فهمش برای دیگران مشکل است (cf. oxford advanced learner's dictionary, 1996).

ج) واژگان خاص برخی گروه‌های اجتماعی یا صاحبان حرف (cf. petit Larousse illustre, 1986).

1. Complete Taboo
2. Argo

در این مقاله، مقصود ما از زبان مخفی با تعریف دوم همخوانی دارد. در این معنا، زبان مخفی از مجموعه لغاتی تشکیل شده که یا صرفاً ابداعی بوده و هیچ پیشینه طبقاتی، نژادی، دینی و ... ندارند؛ که این حالت مبدع این لغات گمنام بوده و برای کاربران هیچ اهمیتی ندارد، یا لغت مزبور، در جریان مرادفات فرهنگی با افراد جوامع دیگر، طبقات مختلف اجتماعی در یک جامعه و ... از نظر کاربران جالب آمده و طی استفاده‌های مکرر افراد و به مرور زمان از بار معنایی اولیه خود تهی گشته و معنا یا معانی جدیدی یافته است.

نکته حائز اهمیت آنکه علی‌رغم مخفی بودن بار معنایی لغات مزبور برای عموم، لزوماً این لغات دارای بار معنایی منفی نمی‌باشند و حتی در مواقعی دارای مترادفات معمول یا ارزشمند در زبان معیار نیز هستند. به عنوان مثال، «نور بالا زدن» به معنای بسیار مذهبی بودن و رعایت مستحبات است که موجب نورانی شدن فرد می‌شود یا «تسبیح دستیتم» به معنای اظهار ارادت مخلصانه می‌باشد. در برخی مواقع نیز لغات ابداعی در زبان مخفی بیانگر تحولات ایجاد شده در حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و مسائل اجتماعی می‌باشند، به عنوان مثال، «پژو حسرتی» که به ماشین «آردی» (RDI) گفته می‌شود، برخاسته از تحولات صنعتی نه چندان مناسب در حوزه خودروسازی ایران و گرایش مردم به تفاخر و ... می‌باشد که تمایل دارند ماشینی پیکانی را که ظاهری شبیه پژو دارد بخرند (اکرامی، ۱۳۸۴: ص ۳۰۳).

البته این لغات در حوزه‌های معنایی مربوط به مواد مخدر، مشروبات الکلی، مسائل جنسی و امنیتی کاربرد بیشتری دارند. با توجه به این که اغلب کاربران زبان مخفی جوانان هستند، می‌توان چرایی ازدیاد این لغات را در حوزه‌های معنایی فوق با محدودیت‌های موجود در فرهنگ رسمی جامعه مورد بررسی قرار داد. نه تنها در جامعه ایران، بلکه در اغلب جوامع دنیا، سخن گفتن صریح از حوزه‌های فوق، تابو محسوب می‌شود. تا همین اواخر در انگلستان، قوانین شدید مربوط به برخی واژه‌ها، از حمایت و ضمانت قانونی و اجتماعی برخوردار بود. در گذشته‌ای نه چندان دور، چاپ واژه‌هایی نظیر «جماع کردن» احیاناً موجب پیگرد قانونی و حتی حبس می‌گردید و هنوز هم در مطبوعات چندان به کار نمی‌رود (ترادگیل، ۱۳۷۶: ص ۳۹). از طرف دیگر، جوانان به دلیل اقتضائات سنی خود و درگیری با مسائل و بحران‌های فکری و رفتاری خاص این

دوران، اغلب با حوزه‌های فوق درگیری عینی و ذهنی دارند؛ ولیکن بیان افکار و اعتقادات در این حوزه‌ها با الفاظ رایج در زبان معیار ممکن نیست و همین امر موجبات ابداع الفاظ جدیدی را فراهم می‌آورد که در حوزه فرهنگ عمومی و به طرق غیر رسمی رواج می‌یابند.

۳) پیشینه علمی

مسئله زبان و جنسیت و مطالعات و تحقیقات پیرامون آن را می‌توان از مسائل نو و مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان زبان دانست؛ چرا که مسئله جنسیت و ارتباط آن با زبان، به‌عنوان عاملی مهم، به ویژه در راستای طرح حقوق زنان و ریشه‌یابی مشکلات ارتباطی زن و مرد، علاقمندان خاص خود را دارد.

از اولین جامعه‌شناسان زبان که در مورد رفتارهای کلامی زنان تحقیقاتی را انجام داده است، «لینت هیرشمان»^۱ است. وی پژوهش خود را به‌صورت مقاله، اولین بار در اجلاس سالانه انجمن زبان‌شناسی آمریکا^۲ در دسامبر ۱۹۷۳ ارائه کرد، یعنی دقیقاً همان سالی که «رابین لیکاف»^۳ مقاله‌اش را با عنوان «زبان و جایگاه زن»^۴ در مجله «زبان در جامعه»^۵ به چاپ رساند. یکی از جنبه‌های مورد بررسی هیرشمان، جنبه حمایتی در مکالمه است. طبق فرضیات هیرشمان، زنان در به‌کارگیری ضمیر اوّل شخص مفرد، کلمات تردید، سؤالات تسهیل‌کننده گفتار و ابراز مخالفت در برابر جنس مخالف و تأیید و موافقت بیشتر با هم‌جنس خود در مکالمات، نسبت به مردان متفاوتند (cf. Hirschman, 1994).

رابین لیکاف که بسیاری از افراد مطالعات وی را به‌عنوان مهمترین قدم در نظریه‌پردازی‌های این حوزه می‌دانند، علاوه بر جستجوی عوامل زبانی متفاوت در گفتار افراد جوان دو جنس، سعی در یافتن ریشه‌های این تفاوت نیز داشته است. به اعتقاد

-
1. Lynette Hirschman
 2. Linguistic Society of America (LSA)
 3. R. Lakoff
 4. Language & Woman's Place
 5. Language in Society

وی، استفاده متفاوت دختران جوان از زبان‌های حاشیه‌ای مانند زبان مخفی، منجر به بوجود آمدن «گونه زبان زنان»^۱ شده است (cf. Lakoff, 1973). مطالعات «فیشرمن»^۲ به نقش شخصیت اجتماعی دختران و تأثیر آن در شیوه مکالمه اشاره می‌کند و سعی دارد که از طریق داده‌هایی، احساس ناامنی دختران در اجتماع را توضیح دهد. وی شیوه گفتاری دختران، یعنی پرسش و کاربرد «You know» را در بین ایشان مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفت که دختران جوان به علت احساس عدم قدرت، از نوعی شیوه گفتاری استفاده می‌کنند تا به وسیله آن، خود را پرقدردتر و مطرح‌تر در جامعه نشان دهند. این شیوه گفتاری، همان «آرگو» یا «زبان مخفی» می‌باشد که باعث شده است دختران گروه کاربر، به وسیله استفاده از این لغات، خود را از جامعه ضعیف زنانه متمایز و به جامعه پرخاشگر پسرانه نزدیک نمایند.

کاربرد زبان مخفی توسط دختران با رویکردی کاربردی‌تر توسط «دبورا تانن»^۳، جامعه‌شناس زبان، انجام شده است. وی علاوه بر تنوع بخشیدن به مطالعات، سعی کرده است که نتایج این مطالعات را در عرصه ارتباطات خانوادگی و محیط خانواده و مدرسه به کار گیرد. وی در نهایت بیان می‌کند که تفاوت در گفتار دختران و پسران و استفاده ایشان از زبان مخفی نتیجه تعلق آنها به حوزه‌های فرهنگی متفاوت است (رک. تانن، ۱۳۷۶).

«الیزابت گوردن»^۴ با مطالعه بر روی مسئله استفاده از «گونه معتبر گفتار»^۵ توسط دختران، برخلاف دیگر زبان‌شناسان که استفاده از گونه معتبر را توسط دختران واکنشی در برابر پایگاه ضعیف و ناامن اجتماعی آنها می‌دانند، معتقد است دختران با استفاده از زبان مخفی رفتار خاصی را در پیش می‌گیرند؛ نه به خاطر آنکه در گروه سنی خود بهتر و پرقدردتر از آنچه هستند به نظر آیند، بلکه به این خاطر که می‌خواهند از دید منفی عموم در امان باشند. «رات شری»^۶ در فصل اول کتاب خود با عنوان «studying»

-
1. Woman's Language
 2. P. Fishman
 3. D. Tannen
 4. E. Gorden
 5. Prestigious speech
 6. Ruth sherry

”woman’s writings” به بررسی تفاوت‌های گفتاری بین زنان و مردان می‌پردازد. وی معتقد است زنان و دختران بیش از پسران و مردان از ادبیات استفاده می‌کنند، ولی ادبیات مکتوب آنان با ادبیات گفتاری ایشان یکی نیست و هر چه تحصیلات، سن و طبقه اجتماعی و میزان وابستگی‌های فرهنگی و دینی بیشتر شود، این فاصله کمتر می‌گردد (حسن آبادی، ۱۳۷۹: ص ۱۵۲).

به تازگی در گروه زبان‌شناسان در ایران نیز تحقیقاتی مشابه در رابطه با جوانان و نوع گویش و رفتار کلامی آنان انجام گرفته است که به تبع، بخشی از آن به دختران جوان و زنان اشاره دارد.

مهدی سمائی در کتاب «فرهنگ لغات مخفی» اصطلاحات و واژگان مخفی بین دانش‌آموزان دختر و پسر چند دبیرستان تهران را جمع‌آوری نموده و حوزه مترادف‌ها و معنایی آنها را مشخص کرده است. کتاب دیگری که از نظر محتوایی و زمانی به این مقاله نزدیک است، کتاب «مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی»، اثر محمود اکرامی است. وی نیز با بهره‌گیری از روش تحقیقات میدانی در بین دختران و پسران ۱۸ تا ۲۸ ساله شهر مشهد این پژوهش را انجام داده که به نوبه خود درخور توجه است.

۴) زبان مخفی از دیدگاه جامعه‌شناسی

زبان‌شناسی اجتماعی رشته‌ای از زبان‌شناسی است که با زبان به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی سروکار دارد. زبان‌شناسی اجتماعی در زمینه زبان و جامعه به پژوهش می‌پردازد و با علوم اجتماعی به ویژه روان‌شناسی اجتماعی^۱، مردم‌شناسی^۲، جغرافیای انسانی^۳ و جامعه‌شناسی^۴ ارتباط نزدیک دارد (ترادگیل، ۱۳۷۶: ص ۴۲).

-
1. Social psychology
 2. Anthropology
 3. Human geography
 4. Sociology

جامعه‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی جدید است که در آن، زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی و مهمترین ابزار برقراری ارتباط در جامعه مورد مطالعه قرار می‌گیرد (مشیری، ۱۳۷۳: ص ۱۱۶).

در این نوع نگاه به مقوله زبان، نکته حائز اهمیت، بررسی رابطه زبان و جامعه است که طبیعتاً بحث را وارد حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌کند. با توجه به تعاریف فرهنگ و وسعت و قلمرو و تنوع کیفی و کمی پدیده‌ها، نمی‌توان همه آنها را در یک ردیف قرار داد. بدین لحاظ تقسیم‌بندی‌های مختلفی را در پدیده‌های فرهنگی قایل شده‌اند که از جمله آنها فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی است (روح الامینی، ۱۳۸۲: ص ۲۴). زبان نیز هم چون مقولاتی نظیر معتقدات، روابط خویشاوندی، هنر، ادبیات، رسوم و ... در زمره فرهنگ غیرمادی جامعه قرار می‌گیرد که در واقع هویت فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند و بالطبع، از دست دادن یا به عاریت گرفتن آن، ضایعه‌ای است که قومیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند (همان).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، استفاده از زبان مخفی یک ناهنجاری اجتماعی محسوب می‌گردد، بنابراین برای بررسی موضوع فوق لازم است در ابتدا در خصوص هنجارهای اجتماعی توضیحی داده شود.

۴-۱) هنجارها

به تعبیر «اولسون»^۱، هنجارها به سؤال «چه؟ چگونه؟ باید انجام شود» پاسخ می‌دهند. به بیان دیگر، هنجارها قواعد حاکم بر رفتار هستند که در جامعه‌ای خاص وجود دارند. «گی روشه»^۲ معتقد است که رفتارها در هر لحظه، بدون آنکه به‌طور مداوم از آن آگاه باشیم، تحت تأثیر هنجارهایی هستند که برای ما راهنما و مدل می‌باشند. «جیمز کلمن»^۳ بر ویژگی ساختن هنجار تأکید دارد و بر این باور است که هنجار، مانند هر مفهوم دیگری در علوم اجتماعی، ویژگی نظام اجتماعی است، نه ویژگی کنشگر

1 . Olsun
2 . G.Rusheh
3 . James Coleman

درون آن (برات‌نژاد، ۱۳۸۳:ص ۱۹). در واقع هنجار^۱، یک قاعده رفتاری است که مشخص می‌کند مردم باید در شرایط معین چگونه رفتار کنند. هر فرهنگ و خرده فرهنگ، یا هر گروه، دارای هنجارهایی است که بر آن حاکم است و از این طریق رفتارهای مناسب را تعیین می‌کند. قوانین، طرز لباس پوشیدن، مقررات اداری، برنامه تحصیلی، قواعد و ارزش‌ها، طرز سخن گفتن، استفاده از لغات مناسب و... گونه‌هایی از هنجارهای اجتماعی هستند.

«ویلیام گراهام سمندر»^۲ از اولین جامعه‌شناسانی است که هنجارهای اجتماعی را دسته‌بندی نمود. از نظر وی انواع هنجارها عبارتند از:

۱- شیوه‌های قومی: این شیوه‌ها عادات یا روش‌های سنتی افراد جامعه را در بر می‌گیرد.

۲- رسوم اجتماعی: به اعتقاد وی، رسوم اجتماعی چون مورد تأیید مردم هستند و به آن عمل می‌کنند، قادر هستند سایر امور را در موارد صحیح خود قرار دهند.

۳- قوانین: هنجارهایی هستند که توسط مقامات دولتی تعیین می‌شوند و عدم رعایت و سرپیچی از آنها مجازات را به دنبال دارد.

زمینه‌های اجتماعی که گفتار در آن اتفاق می‌افتد و از زبان برای انتقال پیام و معنا در آن زمینه استفاده می‌شود، از موقعیت و منزلت اجتماعی گروه یا قشر و طبقه خاص در کل جامعه ناشی می‌گردد. به عنوان مثال، اینکه چه کسی دختر یا زنی را مورد خطاب یا سؤال قرار دهد و شرایط این سؤال و جواب چگونه باشد، به طور قطع و یقین روی انتخاب و گزینش واژه‌هایی که در این ارتباط به کار می‌رود، اثرگذار خواهد بود. موقعیت‌هایی که فرد به هر دلیل در آن قرار می‌گیرد، اعم از این که دوستانه و غیررسمی یا اداری و رسمی باشد، در گزینش و استفاده از واژگان و عناوین و نهایتاً اصطلاحات و کلمات تأثیر شگرفی دارد و می‌تواند مبین این نکته باشد که فرد از بیانی خاص یا ضمیری ویژه استفاده نکند یا خیر، به چه میزان از طنز استفاده نماید و ... لذا با توجه به اینکه:

1. Norm
2. V.Graham Semner

- ۱- دو طرف ارتباط، یعنی گیرنده و فرستنده، دارای چه موقعیت اجتماعی باشند؛
 - ۲- ارتباط در چه شرایط و زمینه اجتماعی در جریان باشد؛
 - ۳- محدوده معنایی ارتباط چه باشد؛
 - ۴- شرایط ارتباط رسمی یا غیررسمی باشد؛
 - ۵- فرد مورد مخاطب چه سن و جنسیتی داشته باشد؛
- دایره گزینش واژگان و اصطلاحات و نهایتاً زبان مورد استفاده متفاوت خواهد بود (اکرامی، ۱۳۸۶:ص ۸۲).
- بنابراین، همان طور که قبلاً مطرح شد، واژگان مورد استفاده در گونه‌های زبانی مختلف با طبقه اجتماعی، گروه نژادی، بافت اجتماعی، جنسیت و ... ارتباط مستقیم دارد.

۲-۴) تفکیک‌های اجتماعی

تفکیک درونی جوامع انسانی در زبان آنها منعکس می‌گردد. گروه‌های اجتماعی مختلف از زبان‌گونه‌های متفاوت استفاده می‌کنند (ترادگیل، ۱۳۷۶: صص ۴۵ - ۴۶). در اغلب مواقع، در شرایطی که ما گویندگان یک مطلب را نتوانیم ببینیم، از شیوه سخن گفتن ایشان، واژگان مورد استفاده و هم چنین تفاوت‌های دستوری در کلام ایشان، قرائنی در زمینه سوابق اجتماعی آنها به دست می‌آوریم. به عبارت دیگر، فارغ از ظاهر افراد، نوع لباس پوشیدن، محیطی که مکالمه در آن صورت می‌گیرد و ... صرفاً از طریق شنیدن سخنان یک فرد، تا حد بالایی می‌توان پایگاه اجتماعی وی را تشخیص داد. علاوه بر این، احتمال دارد که چنین تفاوت‌هایی با تفاوت‌های واجی^۱ توأم باشند (هر چند که این امر در نوشتار نشان داده نمی‌شود)، به عبارت دی‌گر، لهجه‌های مختلف طبقه اجتماعی وجود دارد (همان). در اینجا می‌توان وجود تشابهات بین پیدایش زبان

1 . Different Phonem

منظور از تفاوت‌های واجی، تفاوت در گویش‌ها و لهجه‌های مختلف و نیز طرز ادا کردن واج‌های زبان فارسی در هر لهجه است. البته واج‌ها در خط نوشتاری رسمی زبان فارسی نمودی ندارد و فقط در بخش آواشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تفاوت‌های واجی گویشوران به نوعی بیانگر پایگاه و گروه اجتماعی افراد است.

گونه‌های اجتماعی و زبان گونه‌های منطقه‌ای را متذکر شد. در هر دو مورد، موانع و فاصله دخالت دارد. گویش شناسان دریافته‌اند که مرزهای گویش منطقه‌ای، اغلب بر مرزهای جغرافیایی منطبق می‌باشد. به عنوان مثال، نه تنها گونه زبانی مردم در دو استان کشور با یکدیگر متفاوت است، بلکه حتی واژگان مورد استفاده و لهجه افراد در دو منطقه از یک استان نیز متفاوت است؛ به طوری که بومیان می‌توانند منطقه محل زندگی گوینده را تشخیص دهند. بدین ترتیب، هر قدر فاصله جغرافیایی بین دو گویش بیشتر باشد؛ به همان نسبت نیز تفاوت ایشان از نظر زبانی بیشتر است (همان).

از جانب دیگر، انتشار یک ویژگی زبانی ممکن است در اثر موانع طبقاتی، سنی، نژادی، دینی و ... محدود و یا حتی متوقف شود. فاصله اجتماعی می‌تواند تأثیری را داشته باشد که فاصله جغرافیایی دارد. به عنوان مثال، نوآوری زبانی که فرضاً در بالاترین طبقه اجتماعی آغاز می‌شود با طی یک بازه زمانی به نسبت طولانی به پایین ترین طبقه اجتماعی وارد می‌شود یا کاربرد اصطلاحی که بین قشر بزرگسال جامعه رایج است توسط یک کودک، معمول نیست.

در این میان، گسترش وسایل ارتباط جمعی و اختلاط فرهنگی شدیدی که در نتیجه این امر رخ داده است، مرزهای مزبور را روز به روز کمرنگ‌تر می‌کند. امروزه واژگان مربوط به مناطق جغرافیایی مختلف یا طبقات اجتماعی گوناگون می‌تواند توسط تمامی افراد جامعه، فارغ از زمینه اولیه پیدایش واژه مورد نظر یا کارکرد آن در زبان گونه مبدأ، مورد استفاده قرار گیرد.

نکته مهم از نظر جامعه‌شناسان این است که فرهنگ، باورها، عادات، آداب و تابوهای یک گروه، هم در زبان ایشان تجلی می‌یابد و هم از طریق زبان منتقل می‌گردد. به هر حال در جریان داد و ستد عناصر فرهنگی در جامعه، گروهی که بیشتر با عموم مردم سروکار داشته و ارتباطات تنگاتنگ میان فردی یا رسانه‌ای داشته باشد، می‌تواند بیشترین واژگان خود را به صورت نامرئی وارد فرهنگ عمومی کند. جدایی این واژگان از بستر اولیه خود و استفاده از آنها در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی، اغلب موجب می‌شود که بار معنایی اولیه آنها تغییر کرده و در معنا یا معانی جدیدی استفاده شوند و همین خصیصه، به شکل‌گیری زبان مخفی در جامعه کمک می‌کند. در واقع، زبان مخفی متشکل از مجموع واژگانی است که هر کدام در بستر و زمینه‌های اجتماعی

مجزا مورد استفاده قرار می‌گرفتند و ترکیب آنها در کنار یکدیگر معنایی را منتقل می‌کند که به مرور زمان و در جریان استفاده افراد مختلف، مصطلح شده است.

۳-۴) اهمیت زبان مخفی

از آنجا که وظیفه اصلی زبان انتقال معنا و پیام می‌باشد؛ قطعاً زبان مخفی حامل و محمل پیام‌های مخفی و سری استفاده‌کنندگان از آن زبان است. از این رو: الف) شناسایی زبان مخفی به معنای شناسایی حوزه‌های مخفی و مورد استفاده و مهم افراد استفاده‌کننده از آن زبان می‌باشد؛

ب) چون بسیاری از این واژگان بیانگر تجربیات و حاصل و محصول زندگی جمعی و مشترک اعضای گروه استفاده‌کننده است، شناخت این زبان عملاً به معنای شناخت تجربیات تلخ و شیرین و پیدا و پنهان کاربران آن است؛

ج) از آنجا که زبان مخفی مفاهیم و احساسات مشترک گروه را منتقل می‌کند، استفاده از آن باعث تقویت انسجام گروهی می‌شود و بررسی و شناخت آن به معنای شناخت میزان و نوع همبستگی گروهی است. ضمن این که بیانگر این نکته نیز می‌باشد که گروه در چه حوزه‌هایی احساس مشترک دارد (اکرامی، ۱۳۸۴: صص ۹۱-۹۰).

۵) زبان و جنسیت

بر مبنای پژوهش‌های زبان‌شناسی، گفتار زنان و مردان در بسیاری از جوامع متفاوت است. در برخی از موارد، این تفاوتها کاملاً مختصر و جزئی است و معمولاً کسی متوجه آنها نمی‌گردد، نظیر اشارات و حرکات مختلف صورت که توجهی بدانها نمی‌شود. به عنوان مثال در بسیاری از لهجه‌های انگلیسی و آمریایی واکه‌هایی^۱ که زنان به کار می‌برند حاشیه‌ای‌تر (یعنی پیشین‌تر، پسین‌تر، بسته‌تر یا بازتر) از واکه‌هایی

^۱ - واکه صوتی است که بدون آنکه ممانعتی در راه خروج هوا به وسیله اندام‌های گویایی ایجاد شود، تلفظ می‌گردد. این که حین خروج هوا، لب‌ها و زبان در چه وضعیتی قرار می‌گیرند (پیشین، پسین، بسته، نیم‌بسته، باز) موجب تمایز میان واکه‌ها می‌گردد. زبان فارسی دارای شش واکه *i, u, ā, o, e, a* است (اختلاف واو معلوم و مجهول، به همین ترتیب اختلاف یای معلوم و مجهول از نوع اختلاف واج و واج‌گونه می‌باشد).

است که مردان به کار می‌برند. در مواردی دیگر، این تفاوت‌ها ممکن است کاملاً فاحش باشد و جلب توجه نماید و حتی آگاهانه به کودکان آموخته شود. به طور مثال در یک زبان سرخپوستی، زنان و مردان واژه‌ها را به دو گونه متفاوت بیان می‌کنند (ترادگیل، ۱۳۷۶: ص ۱۰۴).

به طور کلی می‌توان این تفکیک جنسیتی در حوزه گفتار را در زمینه اجتماعی گسترده‌تری مورد توجه قرار داد. در این راستا، جامعه‌شناسی جنسیت به بررسی نقش‌ها، روابط و هویت‌های اجتماعی مردان و زنان می‌پردازد که با تأکید فمینیسم بر روی زنان، تا اندازه‌ای متفاوت است. در این معنا، جامعه‌شناسی جنسیت، عامل جنسیت را تنها به عنوان یکی از متغیرهای موجود در روابط و ساختارهای اجتماعی در نظر می‌گیرد. با این همه برخی از جامعه‌شناسانی که کارشان را از دیدگاه جامعه‌شناسی جنسیت آغاز کرده‌اند، آثاری از خود به جا گذاشته‌اند که برای نظریه فمینیستی اهمیت بسیاری دارد (ریتزر، ۱۳۸۲: صص ۴۶۸ - ۴۶۹).

موضوع بخش بزرگی از آثار جامعه‌شناختی اخیر درباره جنسیت، تفاوت‌های جنسی بوده است. کارهای نظری انجام گرفته با دیدگاه اساساً نهادی و یا شبه کارکردگرا درباره جامعه (برنارد، ۱۹۸۲)، نوشته‌های زیستی - اجتماعی (روسی، ۱۹۷۷)، گزارش‌های مبتنی بر نظریه کنش متقابل نمادین (بست، ۱۹۸۳ و لور، ۱۹۷۸)، آثار پدیده‌شناختی (برگر و کلنر، ۱۹۶۴) و گزارش‌های روش‌شناسی مردم‌نگارانه (گارفینکل، ۱۹۶۷) همگی در همین مقوله جای می‌گیرند. اگر به این هسته بنیادی گزارش‌های نظری، آثار تجربی گسترده جامعه‌شناسانی را بیفزاییم که اکنون جنس یا جنسیت را به عنوان یک متغیر یا عامل مستقل و اساسی به کار می‌برند، تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی را می‌توان به منزله یک تأکید مهم در جامعه‌شناسی به حساب آورد (همان: ص ۴۷۰).

مضمون اصلی ادبیات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در دوران معاصر این است که زندگی روحی و درونی زنان در شکل کلی آن با حیات روحی مردان تفاوت دارد؛ زنان از جهت ارزش‌های بنیادی، شیوه داورهای ارزشی، ساخت انگیزه‌های دستاوردی، خلاقیت ادبی، تفنن‌های جنسی، احساس هویت و از نظر فراگردهای کلی آگاهی و ادراک خود درباره ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند.

مضمون دوم این است که شکل کلی روابط زنان و تجربه‌های زندگی‌شان شکل متمایزی است. زنان با فرزندان زاده خودشان، رابطه‌ای متفاوت از مردان برقرار می‌کنند، پسران و دختران آشکارا سبک‌های بازی متفاوتی دارند، زنان بزرگسال با خودشان و زنانی که مورد بررسی قرار می‌دهند، به شیوه‌های منحصر به فردی رابطه برقرار می‌کنند (همان: ص ۴۷۱).

هرچند بیان اغراق آمیز کسانی که معتقدند تجربه کلی زندگی زنان از کودکی تا پیری، تفاوتی بنیادین با تجربه مردان دارد، چندان مورد قبول نیست؛ ولیکن تفاوت‌های جنسیتی ایشان نیز مسئله‌ای نیست که قابل انکار باشد. به طور کلی این تفاوت‌ها از سه منظر زیست‌شناختی، روان‌شناختی و نهادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. فارغ از تبیین‌های زیست‌شناختی، در دو حوزه اخیر، تقسیم کار جنسیتی و حوزه‌های مراوداتی متفاوت زنان و مردان و هم چنین نمونه‌سازی‌های مردانگی و زنانگی و جامعه‌پذیری متفاوت ایشان مدنظر قرار می‌گیرد.

تقریباً در تمام جوامع و از جمله در ایران، تفاوت‌های جنسیتی تعیین‌کننده فرهنگ جنسیت‌های متفاوت است و محدوده زبان و نوع کلمات، حتی رسمی و غیر رسمی بودن زبان را مشخص می‌کند (اکرامی، ۱۳۸۴: ص ۸۳).

۵-۱) مشخصات گفتار زنان

از نظر «لی‌کاف»، تفاوت گفتاری زنان و مردان بیشتر از آنکه در حیطه زبان‌شناسی و تفاوت گفتاری قابل بررسی باشد انعکاس‌دهنده روابط فرهنگی جامعه می‌باشد. در حیطه فرهنگی جامعه، سطح انتظارات از یک زن با سطح انتظارات از یک مرد متفاوت است. حتی در جوامعی مانند جوامع صنعتی که نقش‌های زنان و مردان چندان از یکدیگر دور نیست، تفاوت‌هایی در گفتار زنان و مردان وجود دارد. اکثر این تفاوت‌ها بنا بر منزلت زن یا مرد در جامعه قابل تبیین است. مردان اغلب برای کسب یا حفظ پایگاه اجتماعی صحبت می‌کنند و با توجه به این که در جامعه از قدرت بیشتری برخوردار هستند، انعکاس این قدرت در صحبت‌های‌شان به صورت تأکید و اطمینان مشهود است؛ اما زن‌ها با حفظ موقعیت خود سعی دارند تا در اجتماع صورت بهتری از

خود عرضه کنند (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ص ۱۰۴). به طور کلی برخی از تفاوت‌های گفتاری زنان و مردان عبارت است از:

- درستی^۱: بر مبنای پژوهش‌های مختلف در اقصی نقاط دنیا، مشخص شده است که زنان در ارتباطات کلامی خود از صورت‌هایی استفاده می‌کنند که بهتر یا درست‌تر از صورت‌های مورد استفاده مردان است. مطالعات جامعه‌شناختی نشان داده است که زنان، بیش از مردان به مقام و منزلت خود آگاه هستند و به همین دلیل نسبت به اهمیت اجتماعی متغیرهای زبانی مربوط به طبقه اجتماعی حساس‌تر می‌باشند. از جانب دیگر، گفتار طبقه پایین اجتماع (نظیر طبقه کارگر) ظاهراً مفهوم مردانگی داشته یا تداعی کننده آن است و همین نکته مردان را و می‌دارد تا بیش از زنان نسبت به صورت‌های نامعیار گفتار تمایل داشته باشند (ترادگیل، ۱۳۷۶: ص ۱۱۵).

- عدم قطعیت^۲: بر طبق آزمایش‌های محققان، زنان تقریباً دو برابر مردان از پرسش‌های پایانی کوتاه بهره می‌برند. به عنوان مثال عباراتی مانند «مگه نه؟»، «بگم دیگه» و ... در گفتار زنان رایج‌تر است. از نظر ایشان، فقدان پرسش‌های پایانی کوتاه در اظهارات مردان حاکی از اعتماد به نفس آنها می‌باشد که قاطعانه ابراز عقیده کرده و تزلزلی به خود راه نمی‌دهند. این در حالی است که استفاده زنان از این نوع سؤالات بر فقدان اعتماد به نفس ایشان دلالت دارد. به اعتقاد لی‌کاف، اشخاصی که به کرات از این پرسش‌ها استفاده می‌کنند نشان می‌دهند که به اظهارات خویش اطمینان ندارند و نظر مخاطب را جویا می‌شوند. به علاوه ممکن است تعهدی نیز نسبت به اظهارات خویش نداشته باشند. وانگهی شخص با چنین تردیدی به دنبال تأیید دیگران می‌باشد. این مطلب را می‌توان به گونه‌ای دیگر نیز تفسیر کرد؛ در این حالت، این امر حاکی از حساسیت و گرمی بین فردی زنان می‌باشد که تمایل به تداوم گفتگو دارند (هاید، ۱۳۷۷: صص ۱۰۹-۱۰۸).

- آهنگ کلام^۳: مطالعات نشان می‌دهد که مردان و زنان تمایل دارند که از الگوهای متفاوت در آهنگ کلام استفاده کنند. زنان از الگوهای آهنگ کلام تعجب، سرخوشی و

1. Correctness
2. Tentativeness
3. Intonation

نراکت بی‌شتر استفاده می‌کنند. به علاوه مردان فقط سه سطح مختلف از زیر و بمی در آهنگ کلام خود دارند، در حالی که زنان چهار سطح دارند. سطح چهارمی که زنان دارند بالاترین میزان زیر و بمی در آهنگ کلام است. الگوهای آهنگ کلام متفاوت که توسط زنان به کار برده می‌شود از این نظر مفید است که به آنها امکان می‌دهد تا عواطف وسیع تری را بیان کنند (همان).

برخی تفاوت‌های جنسیتی دیگر در گفتار، شامل کاربرد بیشتر مردان از افعال مخالفت آمیز است. زنان بیشتر واژه‌های تأییدآمیز نظیر هوم، آهان و ... را به کار می‌برند. نکته حائز اهمیت این است که این تفاوت‌ها عموماً در راستایی است که می‌توان از کلیشه‌های نقش جنسیتی انتظار داشت (همان: ص ۱۶۳).

۲-۵) زنان و زبان مخفی

بر مبنای نتایج پژوهش‌های انجام شده، مراکز یا کانون‌های اشاعه اصطلاحات و واژگان زبان مخفی معمولاً مراکز شبانه‌روزی و خانوارهای جمعی می‌باشد (اکرامی، ۱۳۸۴: ص ۳۰۳) مراکزی عمومی نظیر زندان، پادگان، خوابگاه‌های دانشجویی و ... که محمل حضور مداوم افراد با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، قومیتی، دینی و ... متفاوت در یک مکان خاص می‌باشند، عامل مؤثری در شکل‌گیری زبان مخفی هستند. از طرف دیگر از آنجایی که زنان و دختران در چنین مراکزی حضوری کمرنگ‌تر دارند، می‌توان نتیجه گرفت که اغلب، جنس مذکر مبدع واژگان این زبان بوده و جنس مؤنث کاربر آن می‌باشد. نتیجه دیگری که از مطلب فوق اخذ می‌شود این است که ابداع این مفاهیم توسط مردان به خودی خود به لغات مزبور بار معنایی مردانه می‌دهد و در نتیجه استفاده از اغلب این لغات توسط زنان و دختران به لحاظ اجتماعی و فرهنگی قابل قبول نبوده و صورت زیبایی ندارد. به عنوان مثال در فیلم‌های تلویزیونی یا سینما استفاده از چنین لغاتی توسط هر قشری از مردان، به خصوص مردان جوان، اعم از افراد مذهبی یا غیر مذهبی و تحصیل کرده یا غیر تحصیل کرده و ... معمول بوده و حتی پسندیده است، در حالی که در اغلب فیلم‌ها، زنان قشر پایین اجتماع که به جهت درگیری در انواع مشکلات و ناملازمات زندگی و حضور در عرصه‌های مردانه، شیوه گفتار متین و موقر زنانه خود را از دست داده‌اند کاربران زبان مخفی معرفی می‌شوند و از سوی

دیگر، کاربرد چنین زبانی توسط شخصیت زن طبقه بالای جامعه، مورد سؤال، نهی و پرسش قرار می‌گیرد.

در هر حال بدیهی است انکار مطلق وجود لغات مخفی زنانه نیز خالی از اشکال نمی‌باشد، هرچند شرایط ابداع و استعمال این لغات توسط آنها متفاوت‌تر از مردان بوده و نوع لغات ابداعی و مورد استفاده آنها نیز با معیارهای مطرح شده در رابطه با گفتار زنان متناسب است. کاربران دختر زبان مخفی بیشتر از مفاهیم تابوی ناقص یا تابوی ناقص خاص بهره می‌برند. در استفاده از لغات تابوی ناقص خاص، معمولاً حفظ ادب یا احترام مدنظر است. همان‌طور که گفته شد، زنان به دلیل آگاهی بیشتر به مقام و منزلت اجتماعی خویش به نسبت مردان و همچنین حفظ وجهه اجتماعی خود، از کاربرد برخی مفاهیم یا لغاتی که تداعی‌کننده سطح پایین فرهنگی باشد اجتناب می‌ورزند. به عنوان مثال، اغلب دختران برای بیان حالات فیزیولوژیک خود، نظیر دوره‌های عادت ماهانه، حتی در جمع‌های دوستانه، از لغاتی ابداعی بهره می‌گیرند. نکته دیگر این که لغات ابداعی توسط دختران و زنان نسبت به لغات مردانه از خشنی و سختی کمتری برخوردار بوده و اغلب در قالب طنز مطرح می‌شود، زیرا حفظ ارتباط برای زنان بسیار مهم می‌باشد.

پنهان کاری و حفظ اسرار، تمایز، ابراز صمیمیت، تفاخر و همراهی با گروه از دلایل عمده استفاده جوانان از زبان مخفی می‌باشد (همان) که در میان دختران و پسران مشترک است. استفاده از یک زبان خاص و غیر قابل فهم برای جوانان سبب تقویت هویت گروهی آنان می‌شود و این نکته برای دختران که اغلب ویژگی‌هایشان در بستر مردانه جامعه نادیده انگاشته می‌شود، بسیار شیرین است.

۶) راه‌های رواج زبان مخفی

انسان‌شناس برجسته، «ادوارد هال»^۱، تمایز بسیار مفیدی بین فرهنگ‌های اندک-زمینه^۲ و پرزمینه^۳ قائل شده است. ایالات متحده آمریکا، کانادا، اروپا و ... نمونه‌هایی از فرهنگ‌های اندک‌زمینه هستند. ساکنان این بخش از جهان، سبک مستقیم و صریح تعامل را ترجیح می‌دهند و از افراد انتظار دارند که منظور اصلی خود را صراحتاً بیان کنند. در فرهنگ اندک‌زمینه برای مهارت‌های بیان فردی نظیر شفافیت، سلامت و ایجاز، ارزش‌گذاری می‌شود. گویندگان اغلب سعی می‌کنند شنوندگان را مجاب و متقاعد کنند. شرق، جهان عرب و بخش اعظم آفریقا، نمونه‌های فرهنگ پرزمینه هستند. سبک معمول تعامل در این بخش، سبکی غیر مستقیم است که در آن معنا و منظور کمتر از طریق معنای صریح کلمات و بیشتر از خلال سرنخ‌های زمینه‌ای مانند مکان، زمان، موقعیت و روابط بین گویندگان منتقل می‌شود. فرهنگ‌های پرزمینه بیش از وضوح و شفافیت، به هماهنگی، ظرافت، حساسیت و مردم‌داری در کلام اهمیت می‌دهند (مک‌کی، دیویس و فانینگ، ۱۳۸۲: صص ۱۴۳ - ۱۴۴).

فرهنگ ایرانی نیز در زمره فرهنگ‌های پرزمینه محسوب می‌شود و همین ویژگی غیرصریح بودن در بیان، سبب می‌شود که بسیاری از مفاهیم در لفافه مطرح شده و مقصود گوینده به صورت شفاف مشخص نشود. همین امر یکی از مواردی است که موجب می‌شود افراد برای بیان صریح مقصود خود زبانی پر رمز و راز و غیر واضح ابداع کنند که از یک طرف همه فهم نباشد و از طرف دیگر فشار روحی ناشی از اجبارهای اجتماعی با این مفاهیم مضحک تقلیل یابد. به عنوان مثال، برای موقعیت‌هایی که یک فرد به تعریف و تمجید بی‌جا از خود می‌پردازد کنایات و مفاهیم بسیاری در زبان مخفی وجود دارد. این امر نشانگر آن است که انکار برتری‌های واقعی یا غیر واقعی مطرح شده توسط یک فرد در حضور وی خلاف ادب است و تحمل این‌گونه لاف زنی‌ها نیز دشوار.

-
1. E. Hall
 2. Low context
 3. High context

همان‌طور که مطرح شد شرایط فرهنگی جامعه ما بستری کاملاً مناسب برای ابداع و استفاده از زبان مخفی است. واژگان مورد استفاده در این زبان به طرق مختلفی در جامعه منتشر شده، بازتولید یا حذف می‌شوند. در این بخش از مقاله برخی از راه‌های رواج این واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۶ کتاب

استفاده از زبان مخفی توسط جوانان و بالاخص توسط دختران و محدوده کاربرد آن، با شکاف بین این نسل با کل اجتماع و حتی کتب ویژه سنین آنها و میزان دسترسی آنها به این کتب ارتباط دارد. نویسندگان و مترجم موفق کسی است که بتواند با مخاطب خود رابطه برقرار کرده و محتوای مورد نظر خود را به او بفهماند. بنابراین نویسندگان باید زبان متداول جامعه خود را بدانند. جوانان، اعم از دختر و پسر، به زبانی صحبت می‌کنند که نویسندگان کتاب‌های این دوره سنی برای برقراری ارتباط با ایشان و ایجاد جذابیت در آثار خود ناگزیر از بکارگیری این زبان هستند. نگاهی سطحی به رمان‌ها و کتب مورد علاقه جوانان مؤید مطلب فوق می‌باشد. جالب آن که نویسندگان متعهد نیز برای بیان مقصود خود و حتی طرح محتوای والای کتاب خود از اصطلاحات مذکور استفاده می‌کنند و از این طریق به اشاعه این شیوه سخن گفتن کمک شایانی می‌نمایند. در بسیاری از مواقع، جوانان از طریق مطالعه کتاب با شخصیت‌های گوناگونی آشنا شده، ارتباط برقرار می‌کنند و حتی دچار هم‌ذات‌پنداری می‌شوند که در مسیر زندگی روزمره خود حتی دمی نیز با ایشان نشست و برخاست نداشته است. نویسندگان توانا به مدد شخصیت‌های گوناگون کتاب خود می‌توانند مخاطب را با گروه‌های مختلف اجتماعی و نوع نگاه ایشان به مسائل، رفتارها، طرز فکر و شیوه سخن گفتن‌شان آشنا سازد. معمول است که فرد در حین مطالعه کتاب با واژگانی مواجه می‌شود که معنای آنها را نمی‌داند و با جست و جوی دیگران و به مرور معنای آنها را در می‌یابد.

۲-۶) اینترنت

اینترنت در آرمانی‌ترین شرایط خود می‌تواند به دموکرات‌ترین رسانه تبدیل شود که در آن تمام افراد و گروه‌ها می‌توانند بدون توجه به تفاوت‌ها و تبعیض‌ها به تولید محتوا بپردازند. بنابراین فضای اینترنت بستر بسیار مناسبی برای طرح مسائل و دغدغه‌های افراد، به خصوص جوانان است. در فضای اینترنت فرد می‌تواند با پنهان کردن هویت خود به راحتی عقاید و افکار خود را مطرح کرده و مخاطبان مورد نظر خود را بیابد. از طرف دیگر، اینترنت فضای بسیار مناسبی برای بروز و ظهور گروه‌های خاموش اجتماعی نیز هست. به تعبیر «شرولی آردنر»^۱، «گروه‌های خاموش»^۲ یا زیرزمینی به آن گروه از افراد جامعه اطلاق می‌شود که برای بازنمایی خود به ابزارهای رسانه‌ای دسترسی ندارند و تصویری که گروه اکثریت از آنها نشان می‌دهد، تصویری منفی است. علی‌رغم نظارت ایران بر سایت‌های اینترنتی، گستره فضای مجازی به حدی است که به نسبت کتاب، محملی بسیار مناسب‌تر برای آشنایی و بکارگیری زبان مخفی می‌باشد. نویسندگان وبلاگ‌ها که اغلب از قشر جوان جامعه می‌باشند، فارغ از محدودیتی که می‌تواند برای یک نویسنده در کاربرد برخی از واژگان وجود داشته باشد، هر اصطلاحی را مورد استفاده قرار داده و بسیار آزادانه‌تر از نویسنده فوق به شرح و بسط مفاهیم می‌پردازند.

کاربران اینترنتی، چه آنان که به صورت منفعل، تنها از فضای مجازی بهره می‌برند و خود نقشی در تولید محتوا در سایت‌های مختلف یا وبلاگ‌ها ندارند و چه آنان که به صورت فعال به تولید مطلب پرداخته و از فضای مجازی برای یافتن افراد هم‌فکر و هم‌کلام خود بهره می‌برند، به سبب ارتباط غیر مستقیم با کاربران دیگر، خود را در محیطی آزاد و بی‌نظارت احساس می‌کنند و فارغ از هنجارها و باید و نبایدهای اجتماعی، منویات خود را آشکار می‌سازند. در این موقعیت غیررسمی و آزاد، فرد با زبان دلخواه خود سخن می‌گوید و با شیوه بیان افراد ناشناس دیگر نیز آشنا می‌شود.

1. Sh. Ardner
2. Mute group

۳-۶) چت

اتاق‌های چت در دنیای مجازی به دلیل این که فضایی باز هم خصوصی‌تر را برای فرد به ارمغان می‌آورند، آزادی وی را افزایش می‌دهند. از طریق چت فرد می‌تواند افکار و عقاید خود را با فرد یا افرادی در میان بگذارد که محدودتر از تمامی کاربران اینترنت هستند و به عبارتی برای هم صحبتی در موضوعی خاص گزینش شده‌اند. این فضا نیز علی‌رغم فواید بسیار می‌تواند محملی برای ارتباطات ناسالم قرار گیرد. افراد، به خصوص دختران جوان، اغلب به دلیل نظارت خانواده، امکان برقراری ارتباط با بسیاری از افراد و گروه‌ها را که از نظر والدین نامناسب می‌باشند، ندارند؛ اما در اتاق‌های چت، فرد به راحتی و فارغ از نظارت دیگران با هر فرد یا گروهی ارتباط برقرار می‌کند. در این میان برای حفظ محتوای مطالب رد و بدل شده، حتی از دیگر کاربران اینترنتی، از واژگانی استفاده می‌شود که برای ایشان نیز ناآشنا است.

۴-۶) پیامک

یکی دیگر از فضاهاى مجازی که از طریق آن زبان مخفی در بین جوانان انتشار می‌یابد، استفاده از پیامک است. امروزه با توجه به گسترش ارتباطات و سیم‌کارت‌های ارزانی که به بازار آمده، قشر وسیعی از افراد جامعه و از جمله جوانان، شماره‌های مختص به خود داشته و از این طریق می‌توانند ارتباط خود را با افراد دیگر در هر ساعت از شبانه روز مدیریت کنند. از آنجایی که تلفن همراه تا حدودی جزو وسایل شخصی افراد است و نگاه کردن به پیامک‌های دیگران ورود به حوزه خصوصی آنها تلقی می‌شود، طرفین ارتباط از طریق پیامک تا حدودی از محفوظ بودن مکالماتشان مطمئن هستند و همین اطمینان آنها را در بیان مطالب خود آزاد می‌گذارد. استفاده روزانه از اصطلاحات عامیانه زبان مخفی باعث ایجاد هزاران پیامک می‌شود که افراد به سرعت به هم می‌فرستند و در فاصله زمانی کوتاه، این لغات جدید در بین قشر جوان انتشار می‌یابد. از طرف دیگر، به دلیل اهمیت سرعت انتقال پیام در این ابزار، استفاده کنندگان نیز به خلق واژگان کم حجم‌تر و مختصرتر برای بیان منظور خود می‌پردازند و همین واژگان پیامکی نیز به مرور، وارد زبان محاوره‌ای جامعه شده و شیوع می‌یابد.

۵-۶) محفل‌های دوستانه

موقعیت‌هایی نظیر مهمانی‌های دوستانه، جشن تولد، مسافرت‌های دوستانه، باشگاه‌های ورزشی و... که تقریباً ترکیبی همگن از افراد هم سن و هم فکر می‌باشند نیز محمل مناسبی برای شیوع زبان مخفی است. جوانان در این گونه موقعیت‌های دوستانه و غیر رسمی با زبان ساده و طنزآمیز با یکدیگر سخن می‌گویند و حتی به ابداع واژگان تازه می‌پردازند. بسیاری از این واژگان در جریان شوخی‌های دوستانه به صورت ناخودآگاه ابداع شده و به سبب خاطره شیرینی که در ذهن افراد تداعی می‌کند، در موقعیت‌های بعدی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و به مرور جزئی از زبان به اصطلاح مخفی جامعه می‌گردد.

۷) نتیجه‌گیری

بررسی روند گسترش زبان مخفی در بین دختران جوان مقوله‌ای حائز اهمیت است که درک صحیح آن موجب آشنایی بی‌شتر و بهتر دختران، بزرگسالان و مسئولان امر با حوزه‌های پنهان اندیشه‌ای و مفهومی ایشان می‌گردد. از آنجا که این اصطلاحات در حوزه زبان، خلق یا ساخته می‌شوند و به صورت گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند، شناسایی نحوه خلق یا ساخت واژگان و اصطلاحات، شناسایی زبان‌هایی که از آنها واژه یا اصطلاح وام گرفته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد (با تغییر یا بدون تغییر) و شناسایی حوزه‌هایی از معنا و زبان که در معرض زایش واژگانی قرار دارند یا واژگان آن حوزه در معرض تغییر قرار گرفته، برای مسئولان فرهنگی جامعه و صاحب‌نظران و پژوهشگران عرصه فرهنگ خالی از فایده نخواهد بود و همین امر، فرهنگستان زبان و ادب فارسی را برآن می‌دارد که به ایجاد بسامدی از اصطلاحاتی اقدام نماید که در نظر مخاطب (دختران) جالب و در عین حال درست و دارای ریشه ادبی باشد. استفاده دختران جوان به عنوان مادران نسل آتی از نوع گفتار کلامی خاص خود (زبان مخفی)، استفاده از لغات آرگو و زبان مخفی را به راحتی به نسل بعدی انتقال خواهد داد. بی‌توجهی به این مسأله سبب می‌شود که در

پنجاه سال آینده، زبان فارسی دچار چنان تغییر و دگرگونی بی‌قاعده‌ای شود که در طول زندگی طولانی و با قدمتش بر خود ندیده است.

بنابراین، چنانچه این پدیده مهم به صورت علمی شناسایی نگردد و عالمانه در جهت احیای فرهنگ و تراکم فرهنگی جهت داده نشود، احتمال «آنارشسیسم زبانی و واژگانی» و به تبع آن هرج و مرج در حیطه فرهنگ و نهایتاً احتمال بروز زوال فرهنگی دور از انتظار نخواهد بود (رک. اکرامی، ۱۳۸۴).

فهرست منابع

- ◀ آرلاتو، آنتونی (۱۳۷۳)، «درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی»، (یحیی مدرس)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ◀ اکرامی، محمود (۱۳۸۴)، «مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی»، مشهد، نشر ایوان.
- ◀ باطنی، محمدرضا (۱۳۶۷)، «درباره زبان»، تهران، انتشارات آگاه.
- ◀ برات‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳)، «سنخ‌شناسی خرده فرهنگ‌های دینی جوانان مشهد»، **جوانان امروز**، شماره ۷.
- ◀ تانن، دבורا (۱۳۷۶)، «مرا نمی‌فهمی» (مهدی قراچه داغی و زهره فتوحی)، تهران، نشر اوحدی.
- ◀ ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶)، «زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه»، (محمد طباطبایی)، تهران، نشر آگه.
- ◀ حسن‌آبادی، محمود (۱۳۷۹)، «زنان و زبان»، **مجله علوم انسانی سیستان و بلوچستان**، پژوهشکده زبان و ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره ۱.
- ◀ روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۲)، «زمینه فرهنگ‌شناسی»، تهران، نشر عطار.
- ◀ ریتزر، جرج (۱۳۸۲)، «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، (محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات علمی.
- ◀ سمائی، مهدی (۱۳۸۲)، «فرهنگ لغات زبان مخفی با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان»، تهران، نشر مرکز.
- ◀ مشیری، مهشید (۱۳۷۳)، «ده مقاله درباره زبان، فرهنگ، ترجمه»، تهران، نشر البرز.
- ◀ مک کی، متیو و دیویس، مارتا و فانینگ، پاتریک (۱۳۸۲)، «پیام‌ها»، (سیدحمید رضا نقوی و محمد شهاب شمس)، تهران، نشر سنا.
- ◀ نرسیسیانس، املیا (۱۳۸۳)، «مردم‌شناسی جنسیت»، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی پژوهشکده مردم‌شناسی، تهران، نشر افکار.
- ◀ هاید، جانن (۱۳۷۷)، «روان‌شناسی زنان»، (بهزاد رحمتی)، تهران، نشر لادن.
- ◀ یول، جرج (۱۳۷۳)، «بررسی زبان»، (اسماعیل جاویدان و حسین وثوقی)، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- Crystal, David (1987), "The Cambridge encyclopedia of language", Cambridge University press.

- Hirschman, L (1994) “Female-male differences in conversational interaction”, **Language in Society**, 23, 3.
- Lakoff, R (1973), “Language and woman’s place”, **Language in Society**, 2.
- Lehmann, P. Winfred (1992), “**Historical linguistics**”, third edition, London and New York, Routledge.